

چرایی تأثیر گذاری گروه‌های جهادی بانوان در گفت‌وگوی «جوان» با مسئول یک گروه جهادی

حضور اجتماعی زنان، جامعه را فعال نگه می‌دارد



گفت‌وگو
زهرآچندری

و جوانه زدن امید می‌شود و رشد و حرکت می‌آفریند. به همین خاطر هم گروه‌های جهادی خانم‌ها بسا حداقل امکانات بیشتری باز دهی را دارند و می‌توانند گام‌های بلندی را در محله و شهر خود بردارند. گروه جهادی نجمه‌خاتون هم یکی از همین گروه‌های جهادی است که در محله‌ای کم‌برخوردار در شهر یزد به همت گروهی از بانوان راه‌اندازی شده و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را دارد و صندوق قرض‌الحسنه و گروه‌های خبری دارد که برای کار آفرینی یا تجهیزیه و حتی هزینه‌های تحصیل وام می‌دهند. البته این کمک‌ها به وام محدود نمی‌شود و خانم‌های این گروه خودشان آسستین‌ها را بالا زده و برای تأمین هزینه‌های نوع‌روسان یا دیگر نیازمندان، کمد و تخت‌های دست دوم را نوسازی و به نیازمندان اهدا می‌کنند. این گروه جهادی در ایام جنگ و در تجمعات شبانه هم نقش آفرینی پر رنگی داشته و توانسته‌اند قشر خاکستری دختران جوان را به خود جذب کنند، به گونه‌ای که خود این قشر برای برپایی کاروان‌ها و تجمعات کمک‌کننده مؤثر شده‌اند. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی مسا با خانم فاطمه عباس‌زاده است.

گروه جهادی نجمه‌خاتون از چه زمانی راه‌اندازی شده و چه فعالیت‌های جهادی دارید؟
حدود هفت، هشت سالی می‌شود که گروه راه‌اندازی شده و بنده حدود چهار سال است که گروه ثبت شده است. کارهای متنوعی انجام می‌دهیم که بیشتر توسط بانوان صورت می‌گیرد. بیشتر در سطح محله فعالیت داریم. به عنوان نمونه، حدود ۱۰۸ خانواده تحت پوشش داریم و سعی می‌کنیم به آنها کمک کنیم. برای بچه‌های مدرسه‌ای که مشکل داشته باشند-اعم از هزینه سرویس مدرسه، پوشاک، لوازم‌التحریر و ثبت‌نام- حمایت‌های لازم را انجام می‌دهیم. نمونه‌اش کودکی که از سه، چهار سالگی تحت پوشش قرار گرفت و اکنون در دانشگاه امام صادق(ع) قبول شده و همچنان حمایت می‌شود. از دیگر کارهایی که در گروه جهادی نجمه‌خاتون انجام می‌شود،

تهیه چیزیه و سیسمونی برای خانواده‌های بی‌بضاعت است. نوسازی وسایل دست‌دوم اهدایی مردم برای تهیه چیزیه برای نوع‌روسان است. مثلاً خانواده‌ای سالمند از دنیا رفته، تشک‌هایش را آورده‌اند و تبدیل به چیزیه به عروس کرده‌ایم، یا کمدهای دست‌دوم را می‌آوریم، بازسازی و رنگ‌آمیزی می‌کنیم تا در حد نو شود و برای نیازمندان استفاده شود. به‌طور نمونه برای نوجوانانی که می‌خواهند در اعتکاف حضور پیدا کنند هم کمک‌هایی داریم. در ایام جنگ نیز ۱۲ دستگاه موتور برق تهیه کردیم و با کمک آقایان در محل‌های مورد نیاز برای استفاده توزیع شد. کمک‌های معیشتی، لوازم‌التحریر و کتاب برای دانش‌آموزان از جمله فعالیت‌های ماست.

آیا شما خودتان گروه جهادی نجمه‌خاتون را راه‌اندازی کردید؟
بله، خودمان این گروه را راه‌انداختیم.

چه‌شد که گروه جهادی نجمه‌خاتون را راه‌اندازی کردید؟
بچه‌ها کارهای خیر و جهادی مختلف را انجام می‌دادند، در محله‌های مختلف جلساتی بر گزار می‌کردیم و کمک به محرومین و بسته‌های معیشتی جمع‌آوری می‌کردیم. بنابراین تصمیم گرفتیم که گروه جهادی تشکیل بدهیم تا این کارها به شکلی سازمان‌یافته‌تر ادامه یابد.

آیا همه اعضای گروه خانم هستند یا از آقایان هم کمک می‌گیرید؟

همه اعضای گروه ما از خانم‌ها هستند.

دو صندوق قرض‌الحسنه داریم که همه اعضایش خانم هستند و حدود صد و خورده‌ای نفر عضو دارند. این صندوق‌ها در بحث معیشت و کار آفرینی بانوان کمک می‌کنند. برای زنانی که سر پرست خانواده هستند، کلاس‌های رشد کسب و کار و توانمندسازی برگزار کرده‌ایم. آموزش تولید سنگ مصنوعی، عروس‌سازی و کارهای هنری داده‌ایم تا بتوانند در خانه تولید کنند. چند نفر از این بانوان اکنون در جمع‌بازار سطح شهر محصولانشان را می‌فروشند و خودشان امرار معاش می‌کنند و مستقل شده‌اند.

وام‌های صندوق قرض‌الحسنه شما به چه صورت است، آیا ضامن هم می‌خواهد؟

برای اعضای که شناخته شده هستند، ضمانت همان چک

ضمانت کافی است. اگر شناخته شده باشند، یک نفر آشنا امضا می‌دهد که ایشان را بشناسیم. وام‌ها از ۳ میلیون شروع می‌شود و تا ۵۰، ۷۰، ۸۰ و ۱۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد، اما بالاتر از ۱۰۰ میلیون تومان وام نداریم.

منابع لازم برای این وام‌ها را از کجا تأمین می‌کنید؟

خانم‌هایی که عضو صندوق قرض‌الحسنه ما هستند، ماهانه ۵۰ هزار تومان به صندوق واریز می‌کنند. وام‌ها به دو صورت است، وام ضروری برای اعضا که ظرف شش ماه باز پرداخت می‌شود، و وام کار آفرینی. همچنین خیرینی هستند که پولشان را به صندوق می‌دهند تا به صورت وام به نیازمندان پرداخت شود تا هم توانمند شوند و هم وام را باز پرداخت کنند. مثلاً ۱۰۰ نفر عضو صندوق هستند که بخشی از منابع وام از همان ماهی ۵۰ هزار تومانی که اعضا به حساب صندوق واریز می‌کنند تأمین می‌شود، اما بخش دیگر هم از طریق خیرین تأمین می‌شود.

اشاره کردید که وسایل اهدایی مثل کمد و تخت را نوسازی می‌کنید. این کارها را خود خانم‌ها انجام می‌دهند یا از آقایان کمک می‌گیرید؟
خود خانم‌ها انجام می‌دهند. اگر نیاز به تعمیر جدی باشد، می‌دهیم بیرون تا آنها را درست کنند، اما تمیز کاری، رنگ و بازسازی را خودمان انجام می‌دهیم.

آیا در ایام جنگ و تجمعات، گروه جهادی شما برنامه خاصی داشت؟

بله، هر شب در تجمعات موکب برپا می‌کردیم و پخت شام داشتیم. مواد اولیه را خود خانم‌ها تأمین می‌کردند؛ هر کس مرغ، برنج یا هر چه می‌توانست می‌آورد و شام درست می‌کردیم. با اینکه گروه جهادی‌مان در مضیقه بود، اما نمی‌خواستیم فشاری به کشور وارد شود و خدا را شکر کارها انجام شد. تا یک ماه پیش هر شب کاروان‌هایی داشتیم و به سمت میدان امام حسین(ع) می‌رفتیم. در آنجا برای بچه‌ها برنامه‌هایی مثل دعاخوانی، نقاشی پرچم و مشاوره داشتیم. موکب بچه‌ها را هم راه‌انداخته بودیم که دختران و پسران در آن حضور داشتند و چای و نذری و بسته‌های فرهنگی بخش می‌کردند.

این تجمعات همچنان برقرار است؟

بله، تجمعات همچنان برقرار است، هرچند تغییراتی در

برنامه‌ها ایجاد شده است.

چقدر حضور خانم‌ها را در کارهای جهادی مؤثر می‌دانید؟

بسیار مؤثر است. به جرئت می‌گویم اگر خانم‌ها نبودند، آقایان هم نبودند.

چرا این‌طور فکر می‌کنید؟

خانم‌ها دلسوزترند و وقتی یک زن فعال باشد، جامعه گرم می‌شود. بارها دیده‌ایم آقایانی که قبول نداشتند یا با تجمعات و حرکت‌های این چنینی زاویه داشتند، به خاطر حضور فعال خانم‌ها جذب کار شدند. هر جا خانم‌ها فعال باشند، آنجا گرم و پویاست، حتی در شب چهارشنبه‌سوری که تصمیم گرفتیم عکس ترامپ را چاپ کنیم و بعد کاغذها را جمع‌آوری کنیم و بسوزانیم. آقایان هم به‌خاطر حضور خانم‌ها وارد کار شدند و کار گفت‌وگو خوبی شد.

در تجمعات شبانه مردمی شاهد حضور گسترده‌تر خانم‌ها هستیم. خانم‌هایی که خوب اغلب‌شان محجبه هستند. در واقع به نظر می‌رسد در ایام جنگ، حضور خانم‌های محجبه و طرفدار نظام بیشتر نمود پیدا کرد. در منطقه شما وضعیت چگونه است؟

دقیقاً هرچند اغلب دخترانی که در تجمعات حضور پیدا می‌کنند عاشق نظام هستند، اما در همین تجمعات داشتیم دخترانی که با نظام زاویه داشتند یا از قشر خاکستری بودند، وقتی صحبت‌های حضرت آقا را دربارہ زن و خانواده شنیدند، تغییر کردند. ما سه مراسم احیا برگزار کردیم و سخنرانی ایشان را پخش کردیم. خیلی از آنها می‌گفتند این حرف‌ها را هیچ وقت نشنیده بودند. بعداً همان قشر خاکستری در کاروان‌ها و مراسم به ما کمک کردند. واقعاً باعث شد مردم بفهمند راهی که می‌رفتند، اشتباه بوده است. بچه‌های خاکستری که دلشان با نظام و ایران است، اما به خاطر مسائل اقتصادی و معیشتی دلخوری‌هایی دارند و تحت نفوذ ماهواره قمار دربارہ مقام زن و اینکه زن ریجانه است می‌شنیدند، اصلاً باورشان نمی‌شد که جایگاه و مقام زن در اسلام و جمهوری اسلامی این‌قدر بالاست. هیچ وقت این صحبت‌ها به گوششان نرسیده بود، اما شب‌هایی که در تجمعات حضور پیدا می‌کنند، دیدشان عوض شد و به لطف خدا چقدر این قشر خاکستری به ما کمک کردند و توانستیم این قشر خاکستری را جذب کنیم.

در طول فعالیت‌های جهادی و همچنین در دوران تجمعات شبانه چه خاطرات ماندگاری در مسیرتان قرار گرفت که همیشه در ذهنتان باقی مانده باشد؟

همان شب‌هایی که در ماه رمضان افطاری درست می‌کردیم و در مسیر مسجد پخش می‌کردیم، خیلی به یادماندنی بود. بعد از شهادت حضرت آقا با وجود آنکه خیلی غمگین و خسته بودیم، اما صحنه همدلی و همکاری مردم را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. خانم‌ها به عشق حضرت آقا اشپزی می‌کردند و با وجود غم و اندوه و اشک، اما حس همدلی‌انجام‌بخش بود و هیچ وقت صحنه‌های کار جهادی با اشک چشم و به یاد رهبر شهید را فراموش نمی‌کنم. این همدلی که بین مردم به وجود آمد، واقعاً وصف‌نشدنی است.

شما خودتان مادر هستید؟ شغلتان چیست؟

بله، چهار فرزند دارم. شغلم مشاوره و راهنمایی است.

شغلتان در کار جهادی هم به شما کمک می‌کند؟

بله، خیلی کمک می‌کند.

خانواده با فعالیت‌های شما مخالفتی ندارد؟

بعضی وقت‌ها که خیلی کار زیاد می‌شود و حضورم خیلی کم‌رنگ می‌شود، تذکری می‌گیرم ولی خب چاره‌ای نیست. دو پسر و دو دختر دارم. دختر کوچکم شش ساله است و همیشه در جلساتی که می‌خواهم درباره افزایش جمعیت صحبت کنم، دخترم را هم با خودم می‌برم تا تسندی باشد بر اینکه خودم به حرفم عمل کرده‌ام. پسرهای خیلی کمک‌حالم هستند و دختر بزرگم در فضای مجازی و کارهای رسانه‌ای کمک می‌کند.

تلنگرهای یک تصویر وایرال شده

کتابخانه

کبری فرشیچی

تصویر سخنرانی زینب نصیری، مشاور وزیر بهداشت در امور اجتماعی، در

اجلاس اخیر رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی در مشهد، در حالی که فرزند خردسالش را به وسیله صندلی

آغوشی در بغل داشت، در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

برجسته شده است.

تصویری که شاید شرایط کنونی جامعه و بحران جمعیت در کشور مان

موجب شده بیشتر به چشم بیاید. البته مشابه این تصویر را چند سال

پیش در پارلمان اروپا شاهد بودیم.

خانم لیسسیا رونزولی، نماینده حزب مردم آزاد «بی‌دی‌ال» وابسته به

جریان سیاسی سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیر پیشین ایتالیا است که

از زمان به دنیا آمدن دخترش ویکتوریا، او را به جلسات پارلمان می‌برد.

خانم لیسسیا هدف از این کار خود را گرفتن حق زنان برای نگهداری از

اطفالشان در محل کار و احترام به مادران خوانده است.

او می‌گوید که سه سال قبل، زمانی که ویکتوریا تازه به دنیا آمده بود،

برای متوجه کردن نمایندگان در مورد حقوق زنان، او را در جلسات

حاضر کرده است.



براساس قانون برخی از کشورهای اروپایی، داشتن نوزاد یا کودک در محل کار ممنوع است. شماری از زنان مخالف این قانون یا لایحه هستند و می‌گویند که آنان حق دارند تا هر لحظه از نوزاد یا کودکشان آگاهی داشته باشند.

با این حال، شماری از نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا از عملکرد و شجاعت خانم لیسسیا ستایش کرده و حتی در یک برنامه ویژه پارلمانی از او تقدیر کردند.

حضور خانم نصیری به همراه فرزند شیرخوارش در اجلاس رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی در مشهد، از یک‌سو حرکتی نمادین محسوب می‌شود و حکایت از آن دارد که فرزندآوری مانعی برای پیشرفت‌های شغلی و اجتماعی زنان محسوب نمی‌شود و یک زن هم می‌تواند مادر باشد و هم در راستای تعالی شغلی و شخصیتی گام بردارد.

با وجود این، این حرکت نمادی از محدودیت‌های مادران برای فعالیت‌های اجتماعی هم است و اینکه جامعه چقدر در یک مادر برای ایفای نقش‌های مادری همراهی می‌کند. حضور خانم نصیری به همراه فرزندش شاید نه از روی اجبار، بلکه برای فرهنگ‌سازی در راستای توجه دادن جامعه به مادران شاغل و توانمندی‌های آنها باشد، اما واقعیت این است که اغلب اوقات چالش‌های زنان شاغل برای فرزندآوری فراتر از این حرف‌هاست و خیلی وقت‌ها این مادران برای آنکه بتوانند مادر شایسته‌ای برای فرزندشان باشند، ناگزیرند دست از شغلشان بکشند.

بدر اینک چالش‌های زنان شاغل برای فرزندآوری و نگهداری از فرزندشان گاهی آنها را سر دوراهی قرار می‌دهد که یک مسیر آن به عدم فرزندآوری و مادر شدن منتهی می‌شود!

این ماجرا شاید تلنگری باشد برای آنکه جامعه و نهادها باید با عنایت به شرایط جمعیتی کشور کمی بیشتر به فکر مادران و خانواده‌ها باشند، به‌خصوص مادران شاغل و نکته بعدی اینکه مادر شدن قطعاً مانع پیشرفت‌های شغلی و تحصیلی مادران نیست.



مادرانه‌ای برای امیرعلی شهید ۶ ساله عروسی کوهستک

هدیه عروسی امریکایی!

کوچه، دست پسرهای همسایه را گرفته و بدو رفتید طرف خانه عروسی. اول یک دل‌سیر از عزا در آوردید و بعد پریدید روی دیوار. مردها پاهایشان جست‌وخیز می‌کرد و زن‌ها در اتاق، دور عروس حلقه‌زده بودند و کل می‌کشیدند. از بالای دیوار همه را می‌دیدید و ریزریز می‌خندیدید. درست همان لحظه‌ای که بلند شدی تا تو هم بسا پاهایت ضرب بگیری و دست‌هایت را بر روی بالای سرت، ناگهان صدای گرومب‌گرومبی آمد. نفهمیدی آسمان غرنیه بود یا زلزله؛ صدای کل و خنده، در پلک به هم‌زدنی شد جیغ و فریاد. داد می‌کشیدند: زدن، زدن.

فهمیدی موشک‌های امریکایی آمده‌اند عروسی. تو اما افتاده بودی وسط حیاط. بدنت تکان نمی‌خورد. لباس تو عروسی‌ات غرق خاک و خون بود و چشم‌های درشتات خشک شده بود و به آسمان. یادبود «امیرعلی کریمی» کودک شش‌ساله‌ای که در حمله رژیم تروریستی امریکا به یک جشن عروسی در کوهستک، استان هرمزگان، در شهریور ۱۳۰۵ به شهادت رسید.

❖ **ریحانه**

حتماً خبر عروسی که توی روستا پیچید، دل توی دلت نبود. آخر کدام بچه‌ای است که دلش عروسی نخواهد؟ آن هم عروسی شما پندری‌ها. شنیده‌ام هفت شبانه‌روز برمی‌دارد؛ هفت شبانه‌روزی که تو و رفیق‌هایت از در و دیوار مجلس بالا بروید و از این پنجره به آن یکی سرک بکشید. لایذ شب‌ها قبل از خواب، مدام مامان را سؤال پیچ می‌کردی که چند تا شب دیگر بخوابی و بیدار شوی عروسی سر می‌گیرد. مامان هم می‌خندید، لب‌های سبزها را می‌کشید، زل می‌زد توی چشم‌های درشتات و انگشت‌هایش را می‌گرفت طرفت؛ تو مثل فتر از جامی پریدی که فقط دو شب دیگر به مرادت می‌رسی.

وقت عروسی که شد، بدو رفتی سراغ لباس‌هایی که هر روز سر کمد تماشايش می‌کردی؛ ایستادی رو به روی آینه و لباس را گرفتی جلوت.

یادت آمد وسط بازار پاسفت کردی، فقط همین مشک‌خاکستری را می‌خواهی. هرچه مامان گفت؛ مجلس عروسی است نه عزا به خرج نرفت که نرقت. حالا لباس را تن زده‌ای و زنجیر نقره‌های را انداخته‌ای روی پیراهنت، موهایت را کمی آب زدی و خودت را رساندی به